

سیرم آموزش و پرورش در توسعه کارآفرینی

مقدمه

عصر ما عصر شتاب و سرعت و عصر دگرگونی و تغییر است. موج این تغییرات زندگی همه ما را نیز خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو جامعه‌ای در جهت سازگاری با تغییرات و شرکت در رقابت جهانی پیش‌تاز خواهد شد که از نیروی انسانی ماهر و متخصص، خلاق و خودباور برخوردار باشد. در شرایط کنونی یکی از عواملی که سبب دگرگونی چهره اقتصادی، اجتماعی و صنعتی کشور می‌شود، فعالیت‌های کارآفرینانه، برخورداری از روحیه کارآفرینی و در نهایت کارآفرینی انسان است [صمدی و شیرزادی، ۱۳۸۶].

کارآفرینی در جامعه می‌تواند سه منفعت اصلی ایجاد کند که عبارت‌اند از:

- افزایش رشد اقتصادی؛
- ارتقای بهره‌وری؛

• پدید آمدن فناوری‌ها، محصولات و خدمات جدید. نقطه آغازین تحولات در این زمینه باید نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش و پرورش باشد تا زمینه رشد و شکوفایی در دانش‌آموزان فراهم شود. رشد و پرورش روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان، رخوت و سستی و یأس و ناامیدی حاکم بر دانش‌آموز را به جنبشی فکری برای آفریدن ایده‌ها و اندیشه‌های نو و سالم تبدیل می‌کند.

این مقاله کوشیده است، نسبت آموزش و پرورش با آموزش کارآفرینی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:

کارآفرینی، آموزش و پرورش، کار و فناوری، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



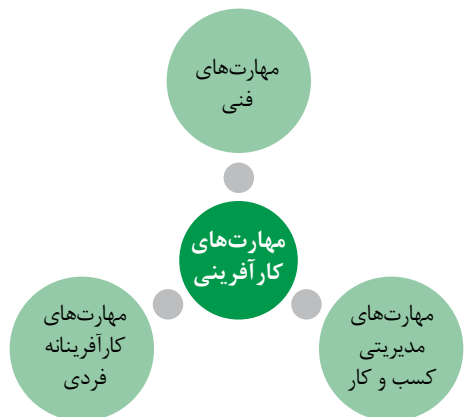
مفهوم کار آفرینی

از آنجا که مفاهیم مطرح در علوم انسانی، برخلاف مفاهیم مطرح در علوم تجربی، قطعی نیستند، لذا ارائه تعریف قطعی و مشخصی برای آن‌ها دشوار یا غیرممکن است. کار آفرینی هم که از واژه‌های مطرح در علوم انسانی است، از این قاعده مستثنا نیست. دانشمندان و محققان علوم اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناسی و مدیریت که در مورد کار آفرینی مطالعه و نظراتی ارائه داده‌اند، تعاریف مختلفی از کار آفرینی مطرح کرده‌اند که تفاوت‌های گاه مغایر و متناقضی دارند و ما در این مقال قصد تحلیل آن‌ها را نداریم. اما آنچه از مجموع تعاریف می‌توان دریافت کرد این است که: کار آفرینی فرایندی است که طی آن، ایده‌های نو و خلاق با شناسایی فرصت‌های جدید و بسیج منابع، به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو و سازمان‌های جدید، نوآور و رشدیابنده توأم با پذیرش مخاطره و ریسک می‌انجامد و با معرفی محصول و یا خدمت جدید به جامعه ظهور می‌یابد.

نکته مهم این است که در تمام تعاریف ارائه شده در منابع مختلف سه عنصر بنیادین دیده می‌شود که عبارت‌اند از: فرصت‌شناسی؛ جمع‌آوری و کاربرد منابع؛ ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و شخصی.

آموزش مهارت‌های کار آفرینی

مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان را به سه گروه اصلی مهارت‌های فنی، مهارت‌های مدیریتی کسب و کار و مهارت‌های کار آفرینانه فردی می‌توان تقسیم کرد.



نمودار ۱

- مهارت‌های فنی عبارت‌اند از: مهارت‌های نوشتاری، مهارت شنیداری، ارتباطات کلامی، سازمان‌دهی، مربیگری، مدیریت فنی کسب و کار، تعامل با محیط کار، هدایت گروه، فناوری و روابط اجتماعی.
- مهارت‌های مدیریتی کسب و کار عبارت‌اند از: تصمیم‌گیری، بازاریابی، مدیریت، امور مالی، حسابداری، تولید، کنترل و فنون مذاکره، روابط انسانی، برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، رهبری آینده‌نگر و مدیریت توسعه.
- مهارت‌های فردی کارآفرینانه عبارت‌اند از: کنترل درونی، خطرپذیری، نوآوری، تغییرمحوری، مقاومت، و توانایی مدیریت تغییرات.

آموزش و پرورش و آموزش کار آفرینی

نظام آموزشی در هر جامعه‌ای وظایف ویژه‌ای بر عهده دارد که از آن جمله می‌توان آزادسازی و رهایی افراد جامعه از ناتوانی و آموزش و هدایت آنان به بازار کار را برشمرد. بررسی نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد، مقوله کار آفرینی را می‌توان آموزش داد یا حداقل به وسیله آموزش، آن را توسعه و بسط بیشتری بخشید. تجربه کشورهای نظیر هند، ژاپن، کره جنوبی و مالزی در زمینه آموزش و ترویج روحیه و فعالیت کار آفرینی این نظریه را تأیید می‌کند که کار آفرینی قابل آموزش است و می‌توان روحیه کار آفرینی را از دوره ابتدایی تا دوره‌های بالایی جامعه در افراد تشویق کرد و ترویج داد.

در همین راستا آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان متولی تربیت نسل آینده و نیروی انسانی بازار کار کشور، نقش حیاتی در کاهش نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف دارد. در واقع آموزش و پرورش، با ارائه آموزش‌های لازم در زمان مناسب، علاوه بر انتقال اطلاعات و مفاهیم کار آفرینی به دانش‌آموزان، زمینه رشد بسیاری از خصوصیات و مهارت‌های لازم کار آفرینی را در آن‌ها فراهم می‌کند.

کار آفرینی در نظام آموزشی ایران برای اولین بار از طریق گنجانیدن درس‌های کار آفرینی در شاخه کار و دانش نظام جدید آموزش متوسطه مطرح شد. علاوه بر آن، مفهوم کار آفرینی در جای جای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» آمده است. چنان‌که در بندهای ۴ و ۲۴ بیانیه ارزش‌ها به کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و روحیه کار آفرینی اشاره شده است و در بخش «مدرسه در افق

هدف درس

کار آفرینی فراهم

آوردن شرایطی

است که در آن، افراد

به جای کار برای

دیگران، علاقه‌مند به

اشتغال‌زایی و فراهم

آوردن زمینه‌هایی

برای ایجاد یک کار

مولد برای خود و

دیگران شوند.

مدرسه باید بتواند

در شکوفایی

ویژگی‌هایی چون

خلاقیت، خودباوری،

آینده‌نگری،

خطرپذیری و تمایل

به کامیابی (روحیه)

کار آفرینی) در

دانش‌آموزان مؤثر

باشد

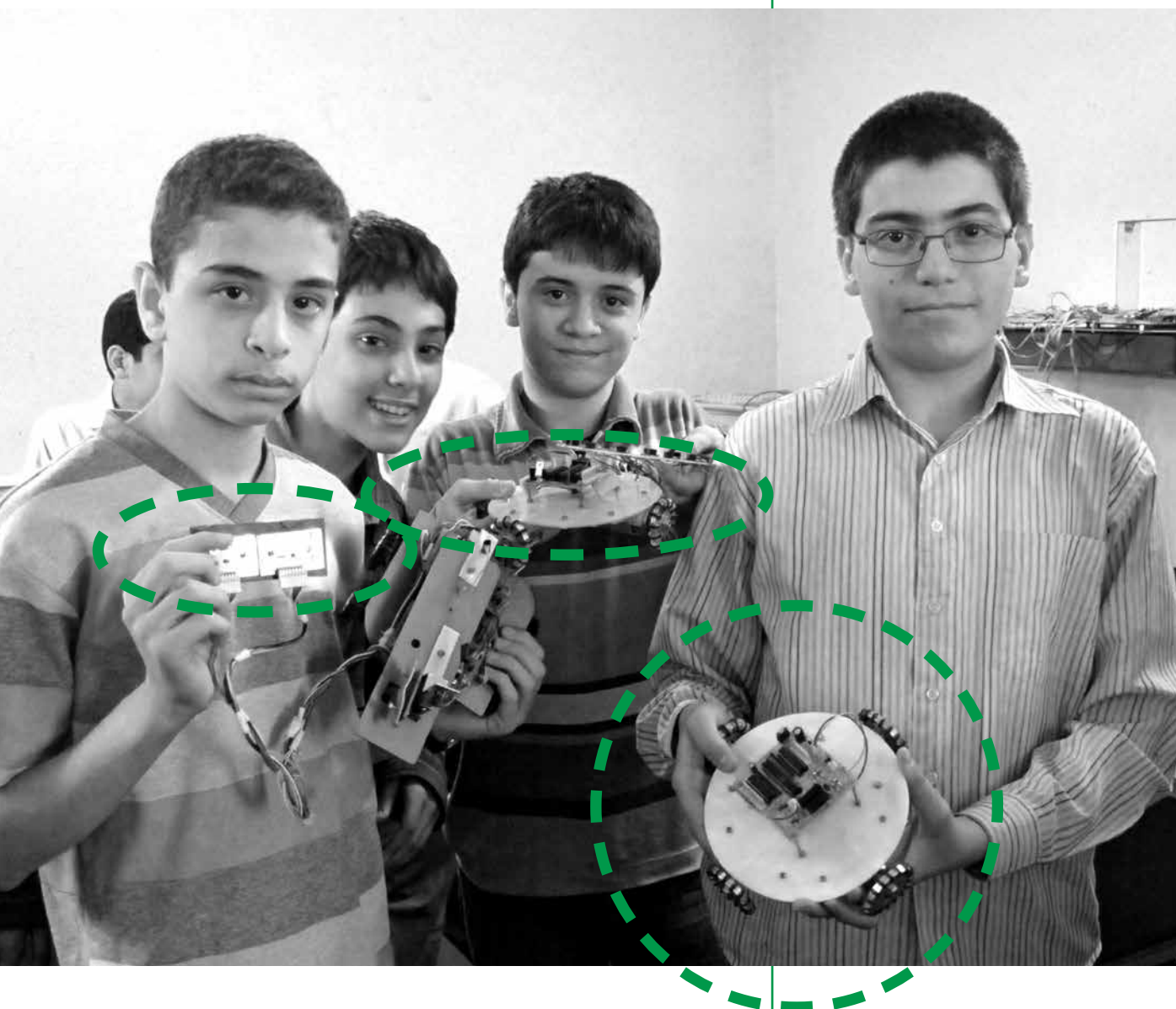
**درس «کار و فناوری»
دانش آموزان را با
کارها و مشاغل
گوناگون آشنا نموده
وبه آنها در انتخاب
رشته تحصیلی در
سال‌های بعد کمک
می‌کند**

از سال ۱۳۹۱ با تغییر نظام آموزشی در راستای اجرای سند تحول بنیادین و ساختار جدید نظام آموزشی، دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال افزایش یافت و به تبع آن، واحد درسی «کار و فناوری» با هدف ترویج فرهنگ کارآفرینی، به درس‌های پایه ششم ابتدایی اضافه شد.

نویسندگان کتاب درسی کار و فناوری، در بخش سخنی با خوانندگان، آشنایی با دنیای کار و کسب و بعضی از مهارت‌ها را به‌عنوان هدف برشمرده و اظهار امیدواری کرده‌اند، با تکمیل تدریجی آن، وقتی که دوره متوسطه به پایان می‌رسد، دانش‌آموزان توانایی کار و استفاده از رایانه و طراحی و انجام فعالیت‌های ساده فنی و هنری را در حد مناسب فرا گرفته باشند.

چشم‌انداز ۱۴۰۴» و نیز اهداف عملیاتی ۱، ۵ و ۲۱ و راهکارهای مربوط به هر یک از این اهداف، به روشنی بر توسعه مفاهیم کارآفرینی در حوزه آموزش تأکید شده است.

یکی از سیاست‌های اصلی وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، پیگیری و اجرای سیاست «هر دانش‌آموز یک مهارت» بوده که از چند سال پیش به‌طور مرتب پیگیری شده و به اجرا درآمده است. همچنین، در هدف‌گذاری‌های برنامه پنجم توسعه در خصوص توازن رشته‌های (نظری و فنی)، رسیدن به عدد ۴۶/۲ درصد در رشته‌های فنی در برابر رشته‌های نظری مدنظر بوده که آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۳ به عدد ۳۸/۷۴ درصد هم دست یافته است.

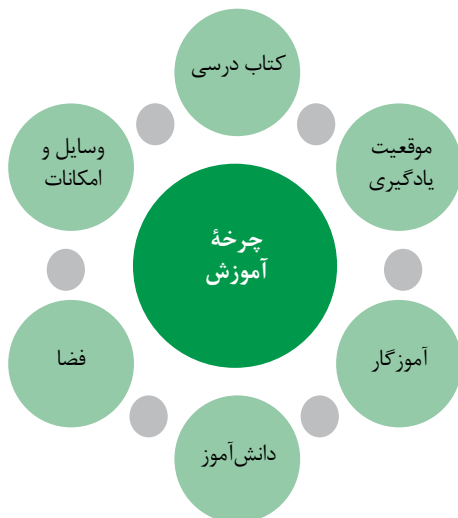




این درس علاوه بر کمک به رفع بعضی از نیازهای روزمره زندگی شخصی و خانوادگی، زمینه اشتغال آینده دانش‌آموزان را هم فراهم می‌آورد. در ادامه می‌افزاید: فایده مهم دیگر این درس آشنا شدن دانش‌آموزان با کارها و مشاغل گوناگون است که به آن‌ها در انتخاب رشته تحصیلی در سال‌های بعد کمک می‌کند. دانش‌آموزان با گذراندن درس کار و فناوری و کشف علاقه‌های خود می‌توانند تصمیم بگیرند که در چند سال بعد به هنرستان بروند یا دبیرستان و چه رشته‌ای را انتخاب کنند.

اقدامات فوق نشان می‌دهد توجه به کارآفرینی و ضرورت پرداختن به آن توسط آموزش و پرورش به درستی درک شده است و می‌توان ادعا کرد، آموزش و پرورش مسیری صحیح را انتخاب کرده و در آن گام نهاده است. اما می‌دانیم تولید کتاب درسی و درج مفاهیم کارآفرینی در آن به تنهایی ما را به مقصد نخواهد رساند. اگر مؤلفه‌های آموزش را در چرخه‌ای به شکل نمودار ۲ در نظر بگیریم، لازم است این مؤلفه‌ها به قدر کافی از توانمندی و اثرگذاری برخوردار باشند تا به صورت کارآمد تأثیر بگذارند.

معلم‌ان باید در زمینه کارآفرینی اطلاعات کافی داشته و با اهداف کتاب و محتوای آموزشی ارتباط برقرار کرده باشند تا بتوانند در روحیه کارآفرینی را در مدرسه و در میان دانش‌آموزان بگسترانند



نمودار ۲

در تعاریف مختلف کارآفرینی در منابع مختلف سه عنصر بنیادین دیده می‌شود که عبارت‌اند از: فرصت‌شناسی؛ جمع‌آوری و کاربرد منابع؛ ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و شخصی

کارآفرینانه بر کل جامعه حاکم شود و کشور به سمت و سوی کارآفرینی پیش رود.

معلمان باید در زمینه کارآفرینی اطلاعات کافی داشته و با اهداف کتاب و محتوای آموزشی ارتباط برقرار کرده باشند تا بتوانند روحیه کارآفرینی را در مدرسه و در میان دانش‌آموزان بگسترانند. آنان باید از روش‌های تدریس مناسب استفاده کنند تا دستیابی به اهداف تعیین شده میسر شود. عارفی و همکارانش (۱۳۸۹) معتقدند: چنانچه اهداف یک برنامه درسی متناسب بیان شده باشند و محتوا نیز اهداف را کاملاً پوشش دهند، اما از روش‌های تدریس متناسب با محتوا استفاده نشود، برنامه درسی مورد نظر اثربخشی لازم را نخواهد داشت. لذا انتخاب روش‌های تدریس مناسب یکی از راه‌های تحقق اهداف و در نتیجه افزایش اثربخشی برنامه درسی است.

در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از کلاس‌های پایه ششم ابتدایی فاقد رایانه هستند و تعداد زیادی از معلمان دوره ابتدایی، به‌ویژه معلمان پایه ششم، دوره‌های آموزش کارآفرینی را طی نکرده‌اند. در حقیقت باید توجه داشت که علاوه بر ارائه آموزش، کیفیت، چگونگی و میزان اثربخشی آن نیز بسیار مهم است و به بررسی دقیق و شناسایی کامل عوامل مؤثر در آن، از قبیل مدت زمان برگزاری، دوره آموزشی مناسب، متون و محتوای کتاب‌ها، ویژگی‌های دبیران و وسایل کمک‌درسی نیاز دارد. توجه نداشتن به چنین مواردی نتیجه‌ای جز اتلاف منابع انسانی، زمان، امکانات و سرمایه و در نتیجه بی‌کاری بیشتر نخواهد داشت.

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقدامات آموزش و پرورش در راستای آموزش کارآفرینی و هدایت نسل جوان به سوی رشته‌های فنی و حرفه‌ای اگرچه خوب است، اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله وجود دارد و باید اقدامات انگیزشی و توجیهی زیادی برای ورود درصد بیشتری از دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و در ادامه کارآفرینی صورت پذیرد.

در چرخه آموزش، هر یک از مؤلفه‌ها علاوه بر اینکه به تنهایی باید پاسخ‌گوی نیاز باشند، باید در مجموع هم بتوانند با هم‌افزایی برای تعمیق بیشتر به یکدیگر کمک کنند و براینده مجموع مؤلفه‌ها می‌باید تحقق اهداف را میسر سازد.

محتوای کتاب درسی نیز باید با اهداف تعیین شده مطابقت داشته باشد و طوری طراحی شود که اهداف را محقق سازد. هدف درس کارآفرینی فراهم آوردن شرایطی است که در آن، افراد به جای کار برای دیگران، علاقه‌مند به اشتغال‌زایی و فراهم آوردن زمینه‌هایی برای ایجاد یک کار مولد برای خود و دیگران شوند. لذا برنامه درسی با هدف آشنا ساختن دانش‌آموزان با مفاهیم کارآفرینی و شناسایی فرصت‌ها در بازار کار و مهارت‌هایی که آن‌ها برای ورود به بازار کار نیاز دارند، شکل گرفته است.

صمدی و شیرزادی (۱۳۸۶) معتقدند: مدرسه در حکم جامعه‌ای کوچک است و به دلیل حاکمیت شبکه پیچیده‌ای از تعاملات انسانی، فضای اجتماعی معینی را به‌وجود می‌آورد که در رشد و پرورش همه‌جانبه شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. بنابراین مدرسه باید بتواند در شکوفایی ویژگی‌هایی چون خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، خطرپذیری و تمایل به کامیابی (روحیه کارآفرینی) در دانش‌آموزان مؤثر باشد.

دانش‌آموزان نیز باید در یادگیری کوشا باشند و با قرار گرفتن در موقعیت‌های یادگیری، به خودارتقایی برسند. **لوتان** و همکارانش (۲۰۰۰) بر این مطلب تأکید دارند که مدیران و معلمان می‌توانند به طریق مناسب با بهبود بخشیدن به محیط آموزشی و ایجاد فضای سازمانی مطلوب در مدارس، فرصتی مناسب و مقتضی برای رشد روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان ایجاد کنند تا از این طریق روحیه کارآفرینی و رفتار

* منابع

۱. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۷). مبانی کارآفرینی. انتشارات فراندیش. تهران. چاپ پنجم.
۲. سعیدی کیا، مهدی (۱۳۹۳). کارآفرینی. انتشارات شریعتی. تهران. چاپ سوم.
۳. صمدی، پروین و هما شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۶). «بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان». فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۶. سال پنجم.
۴. عارفی، محبوبه و کوروش فتحی و اجارگاه و سعید نساج (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی». فصل‌نامه مشاوره شغلی سازمانی. دوره دوم. شماره ۴.